



هدف ما: ایجاد فضای سالم و صلح آمیز در محیط علمی.

آیندهی بهتر متعلق به کسانی است که به آن باور دارند

First Year - two Vol - Fall 2018

صفحه اول

سال اول - شماره دوم - خزان ۱۳۹۷

در برگه های این شماره:

گفتگوی فاضل آرین با پُشرا نوری ... صفحه چهارم



رونمایی مجله ای ارمنان صلح و فصلنامه ی صلح باوران ... صفحه سوم



ورکشاپ روش های نوین تدریسی (دانشجو محور) ... صفحه چهارم



دور پنجم ورکشاپ تأمین صلح و حل منازعات ... صفحه چهارم



کانون صلح جوانان دانشگاه البیرونی:
راه اندازی کمپاین اهدای خون به زخمیان هوتل اورانوس



بیست و یک هزار سی سی خون از سوی استادان و محصلین دانشگاه البیرونی برای زخمیان حادثه شام روز سه شنبه اهدا گردید. در کمپاین اهدای خون برای زخمیان حادثه شام روز سه شنبه هوتل قصر اورانوس کابل که از طرف مرکز صلح دانشگاه البیرونی با همکاری ریاست صحت عامه ولایت کاپیسا راه اندازی شده بود بیشتر از ۲۱۰۰۰ هزار سی سی خون جمع آوری گردید. داکتر فریدون فرزام یعقوبی رییس شفاخانه ی کادری دانشگاه البیرونی - گفت: این مقدار خون، بسته بندی شده و جهت رسیدن به زخمیان حمله ی روز سه شنبه به شفاخانه ی ده بابا علی منتقل و از آنجا به کابل انتقال داده خواهد شد. بیشترین کسانی که در این کمپاین، خون اهدا کرده اند؛ دانشجویان و استادان دانشگاه البیرونی هستند. پوهنمل احمد جاهد مشتاق «معاون علمی و مسوول مرکز صلح دانشگاه البیرونی» که برای اهدای خون به محل کمپاین رفته بود گفت: جهت ادای مسوولیت انسانی و ایمانی اش به زخمیان حمله شام روز سه شنبه گذشته خون اهدا کرده است. در همین حال شماری از استادان و کارمندان این دانشگاه که برای اهدای خون به محل کمپاین آمده بودند - میگویند: که مخالفین مسلح نمیتوانند از طریق انفجار و انتحار به اهداف شوم شان برسند. در عین حال برخی از دانشجویان این دانشگاه که برای اهدای خون در محل کمپاین حضور یافته اند، می گویند: برای ادای مسوولیت اجتماعی و کمک به هم نوعان شان خون اهدا میکنند. آنان می افزایند که این کمپان خود پیام آور صلح است. این کمپاین خون در حالی در شفاخانه کادری دانشگاه البیرونی راه انداز گردیده است که در یک حمله ی انتحاری شام روز سه شنبه در هوتل اورانوس در ناحیه ۱۵ شهر کابل ۵۵ تن جان باخت و بیشتر از ۹۴ تن دیگر زخم برداشتند. این حمله زمانی اتفاق افتاد که شماری از علمای دینی برای مراسم میلاد نبی در این هوتل گرد هم آمده بودند. قابل یاد آور است که این حمله در نوع خود بی پیشینه بوده و یکی از جمله حملات خونین در این اواخر در پایتخت است که افراد غیر نظامی را مورد حمله قرار داده است. تا هنوز هیچ گروهی مسوولیت این حمله را نپذیرفته است.

نویسنده گزارش: حزب الله روحانی

سخن صلح

واژه ی صلح که لغتاً به معنای آشتی، اتحاد، دوستی، آرامش، آسایش و... بکار رفته از ملزومات مهم زندگی انسانی دانسته شده است. زیرا بشریت در طول تاریخ لحظه از آن بی نیاز نبوده همواره سعی نموده تا آن را در سطوح مختلف از جمله زندگی فردی و اجتماعی جهت حفظ ارزش های انسانی و یک زندگی مصالحت آمیز تطبیق و عملی نماید. صلح مانند چراغیست که با آن می توان تمام گودال های شقاوت را تابان و روشن کرد. جامعه رابه مسیر تکامل، ترقی و پویایی رهنمون کرد و به قول علامه اقبال لاهوری از زندگی تفسیر نو بجا گذاشت. پس صلح و آشتی یکی از ضرورت های عمده و اساسی هر جامعه بوده و در هر شرایط و هر زمان جوامع انسانی مستغنی و بی نیاز از آن نیست. بنابراین در کشور عزیز ما افغانستان این نیازمندی نسبت به سایر کشورها فراوان دیده میشود برای اینکه مدت هاست مردم افغانستان نظریه عوامل مختلف درمنجلا ب جهل، خشونت، نزاع و کشمکش، اختناق و بی ثباتی به سرمیبرد که عامل اصلی آن عدم مصالحه، تسامح و همدیگر پذیری میباشد. اگر از زاویه ی دینی چشم اندازی بدین مسئله داشته باشیم به آسانی در خواهیم یافت که مصادر دینی، در حقیقت شریعت اسلامی بارها به صلح و اهمیت آن پرداخته، تطبیق و عملی کردن آن را در زندگی فردی و اجتماعی از وجیهه های مسلمانان دانسته است. گذشته از آن فطرت و سرشت انسانی همواره به دنبال تحقق آن در زندگی بوده ولیکن آنچه درد آور و جانگناه است این که دین ما سرشار از صلح و مصالحت، فرهنگ ما ملامال از انسانیت، حافظه ی تاریخی ما بیش از دیگران به صلح پرداخته ولی چندین دهه میشود که جامعه ما از ثباتی کافی بهره مند نیست، تعصب و خشونت هر روز فربه تر میشود، اعتنا به همدیگر پذیری و مصالحت کمتر دیده میشود، علتش در چیست؟ یکی از عوامل مهم آن عدم آگاهی و بی توجهی است. برخی از نویسندگان در نوشته های خود طوری وانمود میکنند که گویا صلح گمشده ی مردم افغانستان است. باید گفت که صلح گمشده ی مردم افغانستان نیست، زیرا گمشده معمولاً به چیزی گفته میشود که از آن سراغی نباشد لذا به مجرد پیداشدن کوچکترین سرنخ، اشخاص از تمام توانمندی های فطری و ذاتی اش استفاده می کنند تا به آن برسند. اما راه ها و راهکار های رسیدن به صلح در افغانستان مشخص و واضح است، با تأسف کامل باید گفت آنچه که ما را از صلح و آشتی فاصله میدهد به باور من فقدان اراده و آگاهی است. رسالت نسل نوین افغانستان به ویژه دانشجویان ما در وهله ی اول اراده است، چون همین اراده است که پای ما را به طرف آگاهی میکشاند و آگاهی ما را به طرف خودسازی و ساختن اجتماع میرساند. پس این رسالت ما دانشجویان میباشد که بی تفاوت نبوده، بر اساس اراده و آگاهی بدانیم، برخیزیم، بسیج شویم و حرکت کنیم تا آن جامعه ی آرمانی را که سالیانی دراز تصورش میکردیم بر ما محقق و نصیب شود.

نویسنده: عزیز الرحمن سنجنی

بررسی

مقدمه جایگاه صلح در اسلام

کشور عزیز ما افغانستان از مدت ها به این سو تحت عناوین مختلف در آتش خانمان‌سوز جنگ و بد بختی مظلومانه میسوزد و بخش عظیمی هست‌وبود آن به گونه‌ی صدمه و آسیب دیده سرانجام هزار ها انسان مظلوم اعم از زن و مرد خورد و بزرگ و حتی طفلان معصوم و بیگناه جان های شَرین خود را از دست دادن و این روند هنوز هم خاتمه نیافته بلکه به سرعت تام ادامه دارد پس بر هر انسان با احساس با درک و دلسوز لازم است تا با استفاده از امکانات دست‌داشته در خاموش ساختن کامل و یا حد اقل کاهش شعله این آتش افروخته شده اقدام نموده وجیبه و مسؤولیت ایمانی، وجدانی و میهنی خویش را انجام دهد.صلح ضامن مصونیت تأمین امنیت برقراری عدالت و حفظ آزادی و ارزش های مادی و معنوی انسان است. سر انجام به گفته یکی از دانشمندان صلح مسأله اصیل و ریشه دار است و پیوند ناگسستنی با طبیعت اسلام و نظریه‌ی عمومی و کلی آن در باره جهان و زندگی انسان دارد.

صلح در برتو آیات قرآن

الحمدلله ما مسلمان هستیم و افتخار پیروی دین سعادت‌زا و نجات بخش اسلام را داریم دین که به اساس آیه کریمه (ال عمران آیه، 19) یگانه دین مقبول و پسندیده نزد خداوند (ج) است. پس برماست تا مقدم‌تر از همه هر پدیده در چوکات اوامر و نواهی دین اسلام مطالعه و بررسی نماییم بنابراین میتوان گفت کلمه زیبای صلح یکی از کلمات قرآنی بوده در قران عظیم‌الشان در معنا و مفاهیم متعدد همچون اصلاح، اتفاق و همبستگی، رفع خصومت و دشمنی، نعمت، منفعت، گذشت و غیره استعمال شده است. صلح اصل، اساس و قاعده‌ی جاودان و پایدار جهان و طبیعت است و جنگ حالتی است متضاد. در جنگ همه داشته های مادی و معنوی به نوعی آسیب پذیر میشود از این رو صلح صفا و صمیمت و زندگی مسالمت‌آمیز در راستای برنامه های دینی قرار داشته و قران عظیم‌الشان همواره برای احیا و تداوم ان دستور داده است (نساء آیه، 128) صلح و آشتی بهتر است صلح و ایجاد فضای مسالمت‌آمیز یکی از وجایب و مسؤولیت های هر مسلمان است زیرا خداوند(ج) میفرماید: در میان برادران صلح نمایند(الحجرات آیه، 10). این دستور الهی از قدیم‌ترین نیاز ها و آرمان های بشریت به ویژه میهن دوست داشتنی ما افغانستان است. چنانچه الله متعال میفرماید: ای مسلمانان پس شما از الله تعالی بترسید و میان خویش اصلاح نمایید و فرمان ببرید از الله تعالی و حضرت محمد رسول برحقش اگر هستید مؤمنان(انفال، آیه 1). در جای دریگر هم‌چنان خداوند متعال درسوره‌ی نساء میفرماید: بسیاری از گفتگوی های پنهانی (دایر کردن اجتماعات، مجالس و مشوره ها) خیر وجود ندارد مگر کسی که (بدین وسیله) و

بخش مقاله ها

صدقه دادن و کار های نیک پسندیده و اصلاح میان مردم فرمان میدهد، و کسی که این کارهای نیک و خیراندیشانه را صرف برای کسب رضایت الله تعالی انجام میدهد به زودی اجر و پاداش بزرگ می‌دهیم(نساء آیه، 114).

صلح در برتو احادیث نبوی

از ابو هریره (رض) روایت است که گفته است من از رسول الله صل الله علیه و سلم شنیدم که میفرماید کسی که میان دو جانب یا دو گروه یا حکومت اصلاح میکنند ثواب یک شهید را کسب می نماید. در نظام اجتماعی اسلام صلح کردن میان مردم مقام بزرگ و فضیلت عظیمی دارد. تا حدی که رسول الله صل الله علیه و سلم صلح بر روزه نغلی در طول روز و عبادت نغلی در طول شب بهتر و فاضلتر دانسته است.

(بیهقی ج 6/65) ترجمه: صلح در بین مسلمان ها رواست بشرطیکه آن صلح حرام را حلال و حلال را حرام نسازد.

اسباب رسیدن به صلح از دیدگاه آیات قرآن و سیرت نبوی

صلح و آشتی، عفو، گذشت، ترک مخاصمه و اندیشه‌ی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز تشکیل میدهد. لذتی که در عفو است در انتقام نیست چه زیباست عفو کردن در زمانی که انسان قدرت داشته باشد چنانچه پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم عفو و گذشت بی پایان داشتند خداوند (ج) میفرماید: پس عفو کن از ایشان (در گذر) یقینا خداوند دوست میدارد. یقینا دین اسلام دین عفو است نه انتقام(المائدۀ آیه، 13). باید گفت از دیدگاه دین مقدس اسلام تأمین صلح و آسایش و زندگی مسالمت آمیز مسؤولیت ایمانی و وجدانی اعم از زن و مرد میباشد. و نیز میتوان حضرت ام سلمة به عنوان بانوی که نقش موثری در صلح حدیبیه ایفاء نموده یاد آوری نمود.

نتیجه گیری

پس بر ما افغانهاست که برای تأمین صلح، آشتی، صفا و صمیمت، وحدت و همبستگی و فراهم نمودن زندگی مسالمت‌آمیز در کشور عزیز خود تلاش پیگیر و کوشش جدی همه جانبه و خستگی‌ناپذیر نماییم تا از این طرف اطاعت و پیروی از دساتیر و فرامین الهی نموده و از جانب دیگر خوشبختی‌ها را از آن خود گردانیده و با خاموش نمودن آتش جنگ خانمان‌سوز، ویرانگر و شقاوت‌زا، مصؤنیت جان، دین، مال، عقل و ابرو و عزت خویش را تأمین نماییم به امید تأمین و برقراری صلح پایدار در کشور عزیزما افغانستان.

سپاس‌گزاری

در نخست از الله متعالی سپاس گذارم که مرا قادر به کسب علم و دانش گردانید؛ ثانیاً از والدین گرامی‌ام که بنده در عرصه‌ی فراخوانی علم و دانش تشویق کردند و سپاس خاص دارم از هر یک استادان نشریه‌ی دانشجویان دانشگاه البیرونی به خصوص پوهنمل احمد جاهد مشتاق مسؤول مرکز صلح دانشگاه البیرونی و تمام همکارانش که بنده را در تهیه این رساله کوچک یاری رسانیدند.

فصلنامه‌ی

صلح باوران

هدف‌ما: ایجاد فضای سالم و صلح‌آمیز در محیط علمی

اعتماد به نفس از منظر قرآن و سنت

یکی از مهم‌ترین مواهبی که خداوند متعال به انسان ارزانی داشته اعتماد به نفس می باشد. اعتماد به نفس در واقع نیرویی است‌که شخص را در استفاده بهینه از قابلیت ها و توانمندی های خویش جهت رسیدن به اهدافی که در نظر دارد یاری می رساند. انسانی که اعتماد به نفس ندارد نمی تواند آظور که باید از استعدادهای خویش بهره جوید و در زندگی دچار افسردگی، سرخوردگی و شکست خواهد شد. یکی از عوامل مهم جهت نیل به این امر مهم شناخت انسان نسبت به ارزش وجودی خویش، استعدادها و توانمندی هایش می باشد و چه زیباست اگر این شناخت را از خالق خویش بجوید آنگاه که خداوند در قرآن می فرماید: من از روح خویش در انسان دمیدم و همچنین آنگاه که به فرشتگان فرمان سجده بر آدم را می دهد و آنگاه که انسان را جانشین خویش در زمین قرار می دهد. انسان مسلمان با تفکر و تدبر در این آیات به خوبی در می یابد که چه جایگاهی نزد خالق و پروردگار و چه مقامی در میان سایر مخلوقات بی شمار الهی دارد و به الطاف خداوند پی برده و میداند که خداوند چقدر او را دوست دارد پس او نیز قلبیش را لبریز از محبت به خداوند می کند و این رابطه‌ی صمیمی و ناگسستنی به او نیرویی می بخشد که از هیچ کس جز خداوند نهراسد و به این یقین می رسد که یاور و پشتیبانی بس عظیم دارد که در تمامی امور می تواند به او تکیه کرده و از عهده هر کاری اگر چه سخت و بزرگ به نظر برسد برآید و در یک جمله "اعتماد به نفس، برگرفته شده از اعتماد به رب و خالق می باشد، بر خلاف دیدگاه مادی که انسان را محور هرچیز قرار داده و او را یکه‌تاز عالم هستی قلمداد می‌کند. از منظر دیگر خداوند شخص مؤمن را مورد خطاب قرار داده و می فرماید (آل عمران: 139) و سست و محزون نشوید که اگر مؤمن باشید ، غالب و برتر خواهید بود". این برتری نه به خاطر نژاد و رنگ و قوم شما است بلکه به خاطر راهی است که به درستی انتخاب کرده و برگزیده اید، آن راهی که چه بسا اندیشمندان و متفکران بسیاری از یافتن آن عاجز مانده اند، راهی که از نظر تکیه‌گاه و خاستگاه برتر است و آن راه، راه هدایت پروردگار است که هیچ کجی و انحرافی در آن نیست و نهایتش به سوی خوشبختی است. همچنین در آیه دیگر می فرماید (آل عمران آیه 198) "رفت و آمد پیروزمندانه کافران تو را فریفته نسازد، این متاع ناچیز و اندکی است و سرانجام جایگاهشان دوزخ خواهد بود و چه جای بدی است که برایشان تدارک دیده شده است". شهید سید قطب در توضیح این آیه می گوید: "عقاید و بینشها وارزشها و اوضاعی برجامعه حکم می رانند که تماماً با عقیده و بینش و ارزشها و موازین انسان مؤمن مغایرت دارند اما او همواره احساس می کند که برتر و بالاتر است و اینها همه در مرتبه مادون او قرار دارند و با احساس کرامت و عزت از بالا به آنها نظر می اندازد و حتی آنها را بادیده مهر و عطوفت می نگرد و دلش می خواهد که آنها را نیز به خیری که با خود دارد هدایت نماید و به همان افقی که خودش در آن زندگی می‌کند رفعت بخشد". پس کاملاً واضح و آشکار می شود که شخص مسلمان هنگامی که به این حقایق دست یافت و ارزش وجودی خویش را شناخت از سرخوردگی و خود کم‌بینی رهایی یافته و می تواند ازاستعداد ها و توانمندی های خویش به بهترین وجه استفاده نماید و شخصی باشد برخوردار از اعتماد به نفس قوی و استوار. ازدیدگاه سنت نیز اگر بنگریم پی خواهیم برد که رسول خدا (ص) افرادی را تربیت نمود که با وجود قدرت و امکانات اندک آن زمان ولی با ایمان به خدا و اعتماد به نفس توانستند دو امپراطوری بزرگ ایران و روم را به زانو درآورند. چنانچه "سعدبن ابی وقاص قبل از شروع جنگ قادسیه، ربعی ابن عامر را به عنوان فرستاده خود به نزد رستم فرمانده سپاهیان ایران فرستاد، مجلس رستم را با بالشها و فرشهای نفیس حریر آراسته بودند و رستم یاقوتها و مرواریدهای گرانبهای درشت را نمایان ساخته بود وتاج بر سرنهاده و سایر زیورهای گرانبهایش را برتن داشت و برتختی زرین نشسته بود ربعی با لباسهایی کلفت و یک سپر و اسپی کوچک وارد شد و همچنان سوار بر اسپ خود تا کنار فرش پیش آمد و آنگاه پیاده شد و اسپش را به یکی ازآن بالشها بست و در حالی که کلاه خود بر سر داشت به نزد رستم رفت. به او گفتند سلاحت را بگذار او گفت: من خودسرانه نیامده‌ام بلکه به دعوت خود شما آمده‌ام بنابراین این را اگر می خواهید به همین صورت وارد می شوم و گرنه باز می گردم رستم گفت اجازه بدهید بیاید او نیز در حین حرکت با تکیه دادن به نیزه خود و فرو کردن در فرشهای حریر عموم آنها را پاره ساخت رستم گفت: چه چیزی شما را برای لشکرکشی به اینجا بر انگیخته است؟» ربعی» گفت: خداوند ما را بر انگیخته است تا هر کس را که او بخواهد از عبادت بندگان به عبادت خدای یکتا و از تنگنای دنیا به فراخنای دنیا و آخرت و از جور ادیان به عدل اسلام در آوریم... آری این بود گوشه ای از عزت و اعتماد به نفسی که اسلام به مسلمانان داده بود رسول خدا به شدت مسلمانان را از اعمالی که سبب از بین رفتن اعتماد به نفس دیگر مسلمانان می شود نهی می‌کند و می فرماید: (برای آنکه شخصی شرور شناخته شود همین کافیست که برادر مسلمانش را تحقیر کند). اگر به این گفته پیامبر صلی الله و علیه و سلم دقت نماییم اهمیت اعتماد به نفس برای ما آشکار می شود چنانچه پیامبر اسلام صلی الله و علیه و سلم به شدت افرادی را که با تحقیر دیگران اعتماد به نفس آنها را خدشه دار کرده و سبب سرافکنندگی آنها می شوند مورد نکوهش قرار داده و چه بسا افرادی که تنها مرتکب این عمل زشت می شوند اگر چه مابقی اعمالشان صالح باشد شرور و فاقد صلاحیت اخلاقی شناخته می شوند و در آخر نه تنها در مسئله اعتماد به نفس بلکه در تمامی مسائل زندگی با استفاده از این دو منبع ارزشمند یعنی قرآن و سنت می توان مشکلات زندگی را برطرف نموده و قله های سعادت را یکی پس از دیگری بپیماییم.

نوبد سنجری

طلوع صلح

وقتی در خود بنشینیی و معصومانه پرواز کبوتر های سپید را در کنارت احساس کنیی، آنگاه که باغ را با واژه های سبز و بنفش در نزدیکی دیده‌گانت دلبرانه به تماشا بنشینیی، وقتی آرامش را در چشمان دختری که با روسری آبی کنار جوی با شاخه‌ی از گل های لاله که در دستش دارد می میبینیی، آه... چقدر زیباست! آنگاه احساس می کنیی نفس تازه ی به بهار دهکده می وزد !... وقتی تیغ های تیز موج را می بینم که با رسیدن به حقیقت دریا ذوب می شدند، به یاد قهرمان های خیالی دهکده‌ی مان افتادم که میله‌ی تفنگ را مغرورانه بر سینه‌ی پدر بزرگ‌شان می گذارند و قیمت جوانی نداشته‌ی شان را از آنها می خواهند، لرزه می کنم در خویش ! و ژرف می اندیشم مگر ما به اصل خویش پی نبرده ایم؟ که فرزند، فرزند پدرکلان های مان هستیم..؟ و غرور مان در آرامش دستهای لرزه‌دار پدرکلان های مان نمودار می شود. بیزار می شوم از خویش...! خود را جا می گذارم و با تندیی تمام از خویش فارغ می شوم ، با دستان ناقرار خویش گوشه‌ی حویلی مان را بیل زده و آماده به زرع می سازم و چند بته از جنس گل های سپید را در پلوانک های آن غرس می‌کنم. گل های میخک می‌کارم تا پرند ه های آبی رنگ بیایند و با شور و شوق گرد آنها پر بزنند و به هم دیگر مهر بورزند. در حاشیه های بام منزل مان تخمی از جنس آشتی می کارم تا کبوتر های سپید، بال زنان بام خانه‌ی مان را طواف کنند... می خواهم به قهرمان های خیالی دهکده‌ی مان یاد بدهم تا تفنگ نداشته‌ی شان از پیشانی خواهر شان بر دارند و بر هر چه از جنس کینه هست شلیک کنند. قهرمان های خیالی دهکده‌ی مان حتی با خود شان آشتی نیستند، آنها وقتی در مقابل آیینه قرار می گیرند با تصویر منعکس شده از سیمای خود شان به پرخاشگری می پردازند؛ آنها لطافت سوسنی رنگ را در برگ های سوسن نمی توانند ببینند. من از جهان آشتی ها میایم! من با خویش آشتی کرده ام، من با آفتاب‌پرست حویلی خاله مرجان آشتی کرده ام ! دیگر با سیب درخت همسایه با زبان سنگ صحبت نمی‌کنم... آری من از دنیایی آرمانی می آیم؛ سرزمینی که خداوند (ج) آن را نیک عنوان کرده است، برای کودکان دهکده‌ی مان برادر بزرگی می شوم تا از ترس دیو های خیالی لب های شان نلرزد؛ و تاریکی شب را قورت می دهم تا خواهر خوانده‌ی گل نارنج از حضورش در بین گلدان حویلی نترسد، و بیرق سپید آشتی را در دست گرفته گوشه گوشه‌ی دهکده ی مان را دور می‌زنم و سنگ سنگ دهکده را به آشتی دعوت می‌کنم !... پشت پا می‌زنم بر هرچه از جنس خشونت است. آری خواهرم جای تفنگ، دست نوازش روی سرت کش می‌کنم، آرزو هایت را می‌خرم، مثل عروسک سپیدی که در کودکی برایت خریده بودم. آهای مردم دهکده !... من از سرزمین آشتی ها میایم مرا می پذیرید...؟! بیایید با شب آشتی کنیم تا آفتاب فردا به مصلحت مان طلوع کند...!

این ولایت دارای آب و هوا نسبتاً گرم بوده به همین دلیل دهقانان، حتا می‌توانند در طول سال سه فصل، از زراعتی شان حاصل بگیرند؛ اما در زمستان نسبت نزدیکی به کوه هندوکش دارای هوای سرد و خشک می‌باشد. تعدادی بیشتر باشندگان این ولایت کسب و پیشه‌گری زراعت دارند؛ ولی متسفانه دارای منبع سرشار آبی نبوده و دهقانان با استفاده از نهر ها زراعت شان را به پیش میبرند. حاصلات را که دهاقین از زراعت شان بدست می‌آورند عبارتند از: گندم، جو، جوار،ی، برنج، پنبه و همچنان از جمله‌ی میوه‌ها، نسبت اقلیم مناسب انگور، انار، توت، زردآلود، خربوزه و تربوز (هندوانه) در این ولایت به وفرت حاصل می‌دهند. مردم کاپیسا دارای ملیت های تاجیک، پشتون، پشه‌یی، نورستانی و هزاره بوده که اکثریت آن را تاجیک‌ها تشکیل میدهند و به زبان های دری، پشتو، پشه‌یی و پراچی صحبت می‌نمایند و فرهنگ باشندگان این ولایت مانند سایر مردم افغانستان ولی سنتی‌تر می‌باشد؛ اما ازینکه این ولایت پایتخت آریانا بوده است، دارای حیثیت تاریخی بی‌شمار می‌باشد مانند منطقه موسوم به خمزرگر در ولسوالی حصه اول کوهستان که دارای آثار تاریخی بیشتر است و مردم همواره از آن بازدید می‌نمایند. برج عبدالله یکی از اماکن دیگر تاریخی کاپیسا است که در منطقهٔ صیاد، از مربوطات مرکز کاپیسا موقعیت دارد، که برای سیاحت از شهرت خوبی برخوردار است و صدها تن از شهروندان ما در فصل تابستان همواره از آن دیدن می‌نمایند، آثار و تعمیرات زمان یونانی‌ها در آن موجود است، ولی مرکز کاپیسا نیز از مکان‌های دیدنی خالی نیست چنانچه دارای محل‌های زیادی مخصوصاً منطقه‌ی به نام ریگروان را دارا می‌باشد که مردم از مناطق مختلف کشور برای دیدن آن به کاپیسا می‌آیند و این منطقه دارای قصه‌ها و ساختار ویژه‌ی است؛ اما تکاب که به انار و نجراب به چهار مغز خود مشهور است نیز در ان اماکن تاریخی و مزدک‌های سابقه

آنها درج نمایند. همچان نیاز جدی وجود دارد که به جوانان پیام‌های مسالمت‌آمیز انتقال یابد و در حلقه امور صلح‌آمیز شامل گردند.
2. حکومت داری خوب: حکومت‌داری خوب با ویژه‌گی‌های مشارکت، برابری، پاسخگویی، حاکمیت قانون، موثرت، شفافیت و صلح لازم و ملزوم یکدیگر اند، بدون حکومت‌داری خوب نمی‌توان توقع تأمین صلح پایدار را در کشور داشت..**ادامه**

نسخه بعدی

نویسنده: روحینا غیاسی

قلم کش کنم ، لاله و گل نویسم
دو تا واژه از صلح کابل نویسم
بیاد قد اش آفتابی بیارم
ز عطر نفس هاش قرنفل نویسم
من این واژه را در تو ای آسمانم
به پیشانی‌مرد زابل نویسم
مرا آشتی ام می‌پذیرد ؟ که از آن
به باغ غزل هام سنبل نویسم
من از مهربانان این مرز بوم ام
دو تا استخوانم دو تا پل نویسم
ترا در گریبان سبز بهاران
غزل‌های سرخ تجمل نویسم
جواب همه درد ها را بیادت
تحمل ، تحمل ، تحمل نویسم
دوباره شمالی ، دوباره بدخشان
به پا ایستاده سر پل نویسم
ز تو قندهارم ، ز تو؛هیرمندم
چه موزون و زیبا تغزل نویسم
ترا بامیان ، ترا آشیانم
به میزان گذارم تعادل نویسم
همه آشتییی ام ، همه دوستییی ام
خراسان زمین را پر از گل نویسم
فردین روستایی

ولایت کاپیسا از دید یک دانشجو !

افغانستان کشور کوهستانی که در جنوب آسیا موقعیت دارد و در نقشه‌ای جهان از لحاظ استراتژی‌یک در بهترین موقعیت یعنی در قسمتی تقریباً مرکزی آسیا قرار داشته که پایتخت آن کابل است و دارای آب و هوای نسبتاً معتدل و سرد نسبت به سایر همسایه گان خود می‌باشد. این کشور از استان‌های مختلف تشکیل شده، که مهم‌ترین و بزرگ‌ترین ولایت‌های آن عبارتند از: مزار شریف، هرات، جلال‌آباد و کابل می‌باشند؛ ولی یک تعداد از ولایت‌ها از لحاظ سرسبزی، منابع سرشار طبیعی و محل خوب سیاحتی مانند بامیان، سمنگان، بدخشان، بلخ و کاپیسا به زیبایی هر چه بیشتر و بیشتری افغانستان افزوده است. کاپیسا از جمله ولایت‌های شمال‌زون مرکزی بوده و در ۶۵ کیلومتری شمال کابل موقعیت دارد، که به طرف شرق آن ولایت لغمان در استقامت غرب آن ولایت پروان، شمال آن ولایت پنجشیر و بطرف جنوب آن ولایت کابل قرار دارد، مرکز آن محمود راقی است؛ اما بعضی‌ها به این باورند، کاپیسا سرزمین حماسه‌ها است؛ چون در دفترخاطرات سکندر به نام نیسا درج گردیده است که معنی باغ خدا (ج)، سرسبز و شاداب را می‌دهد. این ولایت دارای شش ولسوالی بنام‌های حصه‌ی اول کوهستان، حصه‌ی دوم کوهستان، تکاب، نجراب، کوهبندها و آله‌سای می‌باشد. تکاب از جمله ولسوالی‌های ناامن این ولایت به دلیل هم‌مرزی با ولایت لغمان بشمار می‌رود و بارها گفته شده است که طالبان از ولایت لغمان وارد این ولسوالی شده و هرازگاهی محل تاخت و تاز نیروهای امنیتی و طالبان قرار می‌گیرد و با این همه حصه‌ی اول کوهستان از جمله‌ی امن‌ترین ولسوالی‌های شش‌گانه کاپیسا به شمار می‌رود. مساحت این ولایت 1871 کیلومتر مربع بوده و جمعیت آن طبق آمارهای اخیر در حدود بیشتر از سه صد و پنجاه هزار تن تخمین شده

راه‌های دست‌یابی به صلح در افغانستان؛

چکیده کارکرد‌های انجام‌شده درین بخش

صلح چیست

صلح به معنای آشتی و سازش است و در اصطلاح

سیاسی دست‌کشیدن از جنگ (متارکه ،آتش بس ، نبود جنگ ، از میان بردن دعوا، پایان دادن به ختلافات و منازعات) می‌باشد. صلح به معنا شرایط است که بر بنیاد و اصول هماهنگی و آرامش سراسری، امنیت و عدالت اجتماعی استوار باشد. در این ماحول انسان‌ها از خشونت و منازعه پرهیز میکنند و زمینه‌های رفع هر نوع مناقشاتی را که منجر به منازعه و جنگ می‌گردد مساعد می‌گردانند.

راه‌های دست‌یابی به صلح در افغانستان

مفهوم صلح در افغانستان از اعمال تروریستی به رهبری طالبان و دیگر گروه‌های مخالف وسیع‌تر است. صلح تنها به معنا پایان یافتن جنگ کنونی نیست بلکه تأمین عدالت، حفظ دست‌آورد‌های موجود در راستای حقوق بشر است، مانند دسترسی به حق آموزش، مساوات اجتماعی، عدم تبعیض و حفظ ارزش‌های اجتماعی می‌باشد. و در جریان این تحقیق موضوعاتی روشن شد که عدم رضایت مردم از کارکرد حکومت در راستای تأمین صلح و نارضایتی مردم از تبعیض در بین اقوام مختلف می‌باشد.

از جمله راه‌های که میتوان به خاطر دست یافتن به صلح ذکر شود، چند مورد را یادآور میشویم:

۱. ترویج فرهنگ صلح: به اساس تعریف سازمان ملل متحد، فرهنگ صلح عبارت از مجموعه‌ی از ارزش‌ها، نگرش‌ها، رفتارها و روش‌ها زندگی است که خشونت را نفی می‌کند و ار منازعه پیش‌گیری می‌کند. دانشمدان فن تأمین صلح و حل منازعات بخاطر بوجود آمدن صلح عادلانه و دیرپا به این باور اند که قبل از همه در یک جامعه باید «فرهنگ صلح» ایجاد گردد، فرهنگ صلح به معنای احترام به کرامت انسانی، رعایت حقوق بشر، پایبندی به آزادی مشروع انسان‌ها و جلوگیری از نفرت، خشونت و جنگ می‌باشد. فرهنگ صلح برای جامعه‌ی که مدت زیادی درگیر خشونت بوده اند بسیار مهم است، جامعه‌ی مدنی میتواند خود را به رهبران مذهبی و سنتی نزدیک ساخته تا در پرتو شریعت و عنعنه‌های محلی پیام‌ها صلح را تدوین و در

(عبادتخانه‌ها) دیده می‌شود. شرکت نساجی گلبهار بزرگ‌ترین شرکت تولیدی تکه‌جهان نیز در این ولایت موقعیت دارد که توسط عبدالحمید زابلی از سهم‌داران این شرکت، تأسیس یافت و با تأسیس این شرکت هزاران نفر از اقوام مختلف ساکن در کشور مصروف کار شدند و از معاش و تامينات آن مستفید میشدند. در زمان که این شرکت فعالیت داشت از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شرکت‌ها در منطقه و جهان بود که دارای تولیدات نهایت مرغوب بوده است و صورت اول ان را به کشور آلمان عرضه می‌شد و قسمت دیگر از تکه‌های تولیدی آن به نام نساجی افغان در بازار‌های داخلی به فروش می‌رسید؛ گرچند معیار تعیین شده برای تولید تکه از سوی این شرکت 100 میلیون متر تکه در سال بود؛ اما هیچگاه به این معیار خود نرسید و می‌توانست در سال تا حدود 75 میلیون متر تکه را توسط ماشین‌آلات و با بیش از 10000 تن کارگر تولید کند. این فابریکه تا قبل از مداخله شوروی سابق (1368) فعال بوده؛ اما بدبختانه این گونه مداخلات و جنگ‌های داخلی باعث نابودی بسیاری از زیر ساخت‌های کشور بخصوص شرکت نساجی گلبهار گردید که در آن زمان این شرکت تولیدکننده‌ی تکه که از نام و حیثیت بالا در منطقه و جهان برخوردار بود، از فعالیت بازماند و حکومت تا هنوز برای احیای مجدد آن هیچ برنامه‌ی روی دست نگرفته است. این ولایت یک دانشگاه دولتی را بنام دانشگاه البیرونی نیز در بطن خود جا داده که در سال 1378 توسط احمد شاه مسعود قهرمان ملی کشور پایه گذاری شد و از جمله برترین دانشگاه‌ها در سطح کشور به حساب می‌آید که با فراغت همه ساله آن، تعدادی زیادی از محصلین را به عنوان رهبر جوان جامعه در اجتماع تقدیم می‌کند. در حال حاضر این مکان علمی دارای 9 دانشکده در بخش‌های طب، اینجینری، ادبیات، حقوق، شرعیات، تعلیم و تربیه، زراعت، اقتصاد و ژورنالیزم می‌باشد که هرکدام از این دانشکده‌ها به رشته‌های متفاوت تقسیم شده و دانشجویان اعم از قشر اناث و ذکور مصروف فراگرفتن تحصیل در این مرکز علمی می‌باشند. با وجود اینکه ولایت کاپیسا از جمله ولایت‌های مرکزی و در 65 کیلومتری پایتخت موقعیت دارد؛ اما این استان نتوانسته پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ی در عرصه‌های مختلف داشته باشد. عمده‌ترین مشکل این ولایت را میتوان نبود برق، مراکز صحتی مجهز و شرکت‌های تولیدی عنوان کرد.

نویسنده: فاضل آرین

دور پنجم ورکشاپ تأمین صلح و حل منازعات برگزار گردید



در این ورکشاپ در رابطه به چگونگی تأمین صلح و حل منازعات درس‌های عملی و تیوریکی برای ۲۰ تن از دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی ارایه گردید.

در پایان ورکشاپ، پوهنمل دوکتور ضیالرحمن رویین رییس دانشگاه البیرونی و پوهنمل احمد جاهد مشتاق معاون علمی و مسوول مرکز صلح دانشگاه البیرونی پیرامون اهمیت این ورکشاپ صحبت نموده گفتند: «از آن جایی که در نهاد‌های تحصیلی و علمی جوانان مصروف تحصیل و فراگیری علم و دانش هستند، و معمولاً این نهاد‌ها محور توجه افراد و سازمان‌ها جهت تأمین اهداف فردی و سازمانی ایشان می‌باشند، پس بر جوانان و دانشجویان است آله دست دیگران نشده و به دور از هرنوع امتیازهای گروهی، قومی و مذهبی و در یک فضای آرام و مسالمت‌آمیز به تحصیل و تحقیق پرداخته و در انکشاف جامعه و کشور خویش سهم فعالی بگیرند». دانشجویان نیز برگزاری این ورکشاپ را خیلی‌ها مفید پنداشته و از برگزاری آن سپاسگذاری نمودند. قابل یادآور‌یست که مراکز صلح در دانشگاه‌های خوست، قندهار، ننگرهار، هرات و گوهرشاد نیز فعال بوده و موضوعات مربوط به تأمین صلح و حل منازعات را به شکل منظم آن به پیش می‌برند.

